بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

خارج فقه جلسه73...2/10/1399

امر پنجم : که اگر مقداری از خاک زمین را برداریم و بر روی پای نجس یا برروی کفش بکشیم ایا پا و کفش پاک میشوند یا نه ؟

مرحوم سید در متن عروه فرمودند که کشیدن خاک بر کف پا یا کفش کافی نیست چون کلمه مسح در صحیحه زراره انصراف دارد از مسح خاک بر کف پا و فقط شامل ان صورتی میشود که پا را برروی خاک زمین بکشید و مادامی که اجزای ارضیه برروی زمین اند مطهریت دارند اما وقتی این اجزا را جدا کردید برای طهارت پا و کفش و ... کافی نیست مؤید این انصراف تعلیل امام علیه السلام که ان الارض یطهر بضها بعضا است که مقتضای این تعلیل این است که پارا بر زمین بکشید نه اینکه اجزای زمین را جدا کنید و به کف پا بکشید

اللهم الا ان یقال : مسح تراب بر پا یا کفش کافی است بخاطر اینکه وجوب مسح یا مشی وجوب تعبدی نیست بلکه مقدمه هست برای زوال نجاست از پا و کفش همین اندازه که ازاله صورت گرفت پاک میشود و لذا مثل مرحوم سید حکیم انصراف را نپذیرفت و فرمودند اگر خاک را به کف پا بزنید و ازاله نجاست بشود کافی است

◼️ اشکال استاد : انصراف مسح از خاک مالی کردن پا و کفش بخاطر این است که زمین صدق نمیکند و در روایات کلمه ارض امده لذا مادامی که قطعه ای از زمین را جدا کنید به ان قطعه زمین نمیگویند پس بحث ما در ازاله عین نجاست نیست بلکه بحث ما در صدق ارض و عدم صدق ارض است و در تعلیل حدیث خواندید که امام فرمود ان الارض ....

◼️ امر ششم : زمین دایره وسیعی است خاک و رمل و سنگ و گچ و .... دارد همچنین زمین اعم از مفروش به سنگ و اجر و غیر مفروش است لذا گفته اند زمین دارای رمل و تراب و حجر اصلی در مقابل عرضی که ان زمین مفروش به سنگ و اجر شده است حال ایا میتوانیم حکم تطهیر زمین را توسعه بدهیم ؟ ممکن است بگویند بعضی از فقها مثل محقق در شرایع اسم تراب را اورد و بقیه را ذکر نکرد و مسح کفش بر تراب پاک است

◼️ در پاسخ میگوییم فقها از باب تمثیل ذکر فرمودند نه از باب انحصار لذا مرحوم سید میفرماید که اجزای زمین مادامی که متصل به زمین اند مطهر قدم و کفش اند در صورتی که روی ان راه بروند و مسح کنند چرا که به جاده های مفروش به اجر و سنگ زمین گفته میشود منتهی زمینی است که اجرش و سنگش را از جای دیگر منتقل کرده اند و انتقال از مکانی به مکان دیگر مانع صدق ارض نمیشود

◼️ مهمترین بحث ما در ثبوت دلیل تعبدی است که ایا یک روایتی از سوی معصومین علیهم السلام به خصوص در باره زمینهای مفروش به سنگ و اجر و گچ وارد شده یا نه است ؟ حق این است که وارد نشده است حال برای ثبوت دلیل تعبدی دو راه داریم :

راه اول : استصحاب ارضیت زمین مفروش جاری شود که اگر شک کنی که اجرای مفروشه زمین هست یا نه چون قبل ار انتقال این سنگها زمین بر او صدق میکرد و بعد از انتقال حکم بقای سنگ ها میکنیم

راه دوم : استصحاب مطهریت ارض مفروشه جاری شود که این استصحاب تعلیقی است یعنی زمانی که این سنگها منتقل نشده بود کف پا را پاک میکرد الان هم که منتقل شده به اعتبار سابق استصحاب بقای طهارت میکنیم

◼️ استصحاب تعلیقی یعنی اگر در صورتی که منتقل نمی شد مطهر بود الان هم مطهر است پس ان حالت سابقه کلمه اگر میخواست ؛ مثل عصیر عنبی اذا غلی یحرم حال شک میکنیم که این عصی عنبی نجس است یا نه مگوییم نجس است چون حالت سابقه اذا غلی یحرم بود

◼️ اشکال بر این دلیل تعبدی از دو جهت است :

جهت اول در مورد استصحابات تعلیقیه که همیشه این استصحابها گرفتار تعارض است استصحاب مطهریت ارض مفروشه با استصحاب نجاست تعارض است و بعد از تساقط دو مبناست ، مبنای اول قاعده طهارت جاری شود و مبنای دوم که از اقای خویی و هوالمختار به اطلاق ادله تطهبر مراجعه شود همان روایاتی که شستن با اب را در تطهیر متنجسات لازم میداند نتیجه اش این است که این ارض مفروشه مطهریت ندارد

جهت دوم که استصحابات تعلیقیه حجت نیست و در مبحث عصیر عنبی گذشت که حجت نیست و باقی میماند استصحاب ارضیت که اینجا جاری نیست چون از قبیل مفهوم مردد است مفهوم زمین مردد بین ارض اصلی و عرضی است زمینی که ذاتا سنگ دارد با زمینی که ذاتا سنگ ندارد و از جایی دیگر منتقل کرده اند به جایی ایا زمین گفته میشود این استصحاب در مفهوم مردد جاری نیست مثلا شک میکنی که مرتکب صغیره را هم فاسق میدانند یا نه اینجا استصحاب جاری نمیشود

◼️ نظر استاد : لذا به نظر ما در اینجا اطلاق همان تعلیل امام است که ان الارض یطهر ... صدق میکند زمین مفروشه را و امام مقید نکرد که حتما سنگ و اجر اصلی باشد و رمل و تراب ذاتی باشد و عرضی را شامل میشود و همچنین روایتی که کلمه زقاق دارد که ان کوچه ای که بین مسجد و منزل ان طرف بول می

شود ان طریق و زقاق عام است و مطلق است ممکن است سنگ فرش باشد و ذاتی ان باشد یا رمل ریخته باشند و عرضی باشد